



بررسی عوامل و مصادیق تشدید کیفر در قرآن و سنت

*مهدی چگنی *محمد صادق آزادفر ***محمد جواد پورحسینی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۲۰

چکیده

مساله تشدید مجازات یکی از مسایل مهمی است که از دیرباز متفکرین، حقوقدانان و فقها آن را مطمح نظر قرار داده‌اند. امروزه کیفیت و حدود تأثیر عوامل تشدید بر کیفر مجرمین، در حقوق جزا از مباحث قابل توجه و جدی است؛ از منظر فقه امامیه و سیره نبوی، عوامل متعددی در تشدید مجازات دخیل است و شرایط زمانی و مکانی و روانی و... بدون شک تفاوت بسیار در میان مجازات افراد ایجاد می‌کند و در حالی که قانونگذار بدان توجه نکرده است. عوامل مشدده مجازات را می‌توان به عوامل درونی و بیرونی تقسیم کرد، منظور از عوامل درونی عواملی هستند که در خود شخص مرتکب یا بزه‌دیده وجود دارند و عوامل خارجی نیز در خارج از وجود آن‌ها قرار داشته، مقاله در پیش رو عوامل تشدید مجازات را به تنصیصی و اصطیادی تقسیم نموده و سیره نبوی را که یکی از منابع غنی و سرشار فقه اسلامی است مورد توجه قرار داده است تا از این رهگذر حدود و کیفیت تأثیر عوامل تشدید مجازات را مورد واکاوی قرار دهد.

واژگان کلیدی: تشدید، کیفر، سیره نبوی، سمت بزهکار

* دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، استادیار گروه حقوق دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی
chegeni_isu@yahoo.com

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه امام صادق علیه السلام
*** استادیار گروه حقوق، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران

مقدمه

یکی از موضوعات مهم که در حقوق جزای عمومی مورد بحث و معرکه‌ی تضارب و تکاثر آرا بوده است و فقهای امامیه نیز از دیرباز مورد توجه قرار داده‌اند، مسأله تشدید کیفر و شناسائی عواملی است که موجب آن می‌گردد. بدون شک هر «جرمی» که از هر «مرتکبی» با عمد و اختیار سرزند استحقاق «جریمه و مجازات» دارد، ولی باز بدون تردید همه‌ی «مجرمین» یکسان نیستند، و شرایط زمانی و مکانی و روانی و خصوصیات دیگر آن‌ها و... موجب تفاوت در میزان کیفر آنان می‌گردد؛ به گونه‌ای که نمی‌توان همه را در جرم واحد مشمول مجازات واحدی برشمرد. از جهت عملی، مجرمی که مرتکب جرمی می‌شود و تحقیقات مقدماتی و صدور قرار مجرمیت و بعد کیفر خواست را پشت سر می‌گذارد، با توجه به بزه انجام یافته به دادگاه صالح هدایت می‌شود تا دادگاه به بررسی عمل و میزان کیفری که او باید تحمل کند بپردازد.

براساس عقیده لغت‌دانان واژه تشدید، از ریشه (ش د د) بوده که به معنای محکم بستن می‌باشد. وقتی گفته می‌شود شدتُ الشيء یعنی آن را محکم بستم، مصدر شدّ دلالت بر قوت در شی یا چیزی می‌نماید و مشتقات و فروع این مصدر به همین معنا می‌باشند، می‌توان گفت معنای واژه تشدید با توجه به ریشه آن عبارت است از قوی کردن، محکم کردن، شدید کردن.

در مورد علل تشدید مجازات در قوانین جزائی کنونی باید توجه داشت که برعکس کیفیات مخففه که قاضی دادگاه می‌تواند با وجود این کیفیات در مجازات مرتکب جرم تخفیف قائل شود، تشدید مجازات فقط در صورتی امکانپذیر است که این مجازات از طرف قانونگذار پیش‌بینی شده باشد و دادرس دادگاه نمی‌تواند به میل و اختیار خود و در غیر مواردی که تشدید مجازات از طرف قانون تعیین شده باشد، مجازات جرمی را تشدید نماید، هر چند که جرم ارتكابی زننده و خطرناک باشد.

عللی وجود دارد که به واسطه‌ی آن‌ها موقعیت بزهکار از نظر مجازات تشدید می‌یابد. وقتی فردی مرتکب جرمی می‌شود حادثه اتفاق افتاده را می‌توان با عناصری چند مربوط دانست و بزه ارتكابی را از نظر منطقی و عقلی توجیه کرد و مجازات را تعدیل نمود. اما اگر بزهکاری علی‌رغم گذشت و اغماض جامعه، مجدداً جرم جدیدی مرتکب شود یا در لحظات مختلف جرایم گوناگونی را انجام دهد توجیه بزهکاری در این شرایط دشوارتر است و لذا جامعه به دلیل احساس خطر، شدت عمل بیشتری نسبت به مجرمان معمول می‌دارد. تکرار و تعدد جرم از علل تشدید کننده‌ی مجازات‌ها هستند زیرا هر دو دلالت بر حالت خطرناک بزهکار و آمادگی او برای ارتكاب جرایم دیگر دارند.

با توجه به اهمیت تاریخ و فراگیری تاریخ‌نگاری و پژوهش در منابع تاریخی می‌توان از تاریخ صدر اسلام و بالاخص با عنایت به سیره‌ی پیامبر - صلی الله علیه و آله - و پیروی از آن بزرگوار در شؤون زندگی و نشر تعالیم اسلام با استفاده از گفتار و کردار پیامبر - صلی الله علیه و آله - همت گماشت تا تحقیقاتی که صورت می‌پذیرد مستظهر به غنای سیره نبوی باشد. پژوهش حاضر ضمن بررسی موضوع تشدید مجازات در قاموس حقوق ایران با تکیه بر تاریخ صدر اسلام سعی در تطبیق و تبیین موضوع در سیره نبوی دارد. فلذا نوشتار حاضر بر دو مبحث مبتنی خواهد بود؛ در مبحث نخست مبادی تصویری و تصدیقی پژوهش روشن می‌گردد و در مبحث دوم عوامل تشدید کیفر در سیره نبوی به رشته تحریر در خواهد آمد.

۱- تعاریف و کلیات

با توجه به موضوع تحقیق و به عنوان تمهید مقدمه در این قسمت مبادی تصویری و تصدیقی تحقیق بیان می‌گردد مع هذا این مبحث را در چهار گفتار سامان می‌دهیم بطوری که در گفتار اول تا سوم به معنای لغوی و اصطلاحی واژگان تشدید، سیره و

۷۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۷

عامل می‌پردازیم و در گفتار چهارم فلسفه تشدید مجازات را مورد واکاوی قرار می‌دهیم.

۱-۱- معنای اصطلاحی تشدید

با عنایت به آنچه در خصوص معنای تشدید از نظر گذرانندیم، محققین اعتقاد دارد بین تشدید مجازات و مجازات شدید (شدت مجازات) تفاوت وجود دارد به عبارت روشن‌تر واژه تشدید به معنای سخت و محکم می‌باشد مثل عذاب شدید، رکن شدید، باس شدید، حساب شدید که هر یک با تعابیر مناسب خود در آیات قرآن آمده است. و جمع آن شداد و أشدء است،^۱ و مجازات شدید عبارت خواهد بود از مجازات سخت و محکم مثل اعدام، قتل به سیف، رجم و.... در حالیکه تشدید مجازات گویای این است که بنا به حالت و وضعیتی که ممکن است در جرم، مجرم و بزه‌دیده و... وجود داشته باشد مجازات مرتکب تشدید می‌گردد بدین معنا که علاوه بر مجازات اصلی خود جرم، کیفر دیگری به عنوان عقوبت علاوه بر مجازات اصلی بر مجرم تحمیل می‌شود و یا نوع کیفر به کیفر سخت‌تری تبدیل می‌گردد. لازم به توضیح است که علمای علم صرف برای معنای باب تفعیل معانی متعددی ذکر کرده‌اند که یکی از آن‌ها کثرت و مبالغه می‌باشد و دیگری زیادت در معنا.^۲ بناء علیهذا معنای واژه تشدید عبارت خواهد بود از بسیار محکم کردن، بسیار قوی کردن یا شدت فراوان.

۱-۲- معنای لغوی و اصطلاحی سیره

واژه سیره از ریشه (س ی ر) بوده و به معنای راه رفتن می‌باشد قرآن کریم در همین معنا می‌فرماید: یوم نسیر الجبال و تری الارض بارزه^۳ یعنی روزی که کوه‌ها به راه

۱. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ج ۴، ص ۱۰.

۲. زیاده المبانی تدل علی زیاده المعانی.

۳. سوره کهف آیه ۴۷.

می‌افتند و زمین را آشکار می‌بینی. صاحب مجمع البحرین در معنای سیره بیان می‌دارد:
السیره بالكسر و هی الطریقه.^۱

شهید مطهری (ره) در خصوص معنای اصطلاحی سیره چنین اشعار می‌دارد: سیره یعنی نوع راه رفتن، سیره بر وزن فعله و فعله در زبان عربی دلالت بر نوع می‌کند، مثلاً جلسه یعنی نشستن و جلسه یعنی نوع و سبک نشستن بنابراین سیر یعنی راه رفتن و رفتار و سیره یعنی سبک راه رفتن و آنچه که در سیره مهم است شناختن سبک رفتار پیغمبر می‌باشد. آن‌ها که سیره نوشتند رفتار پیغمبر را نوشته‌اند و این کتاب‌هایی که ما بنام سیره داریم سیر است نه سیره یعنی در آن سبک رفتار پیامبر نوشته نشده است بلکه رفتار پیغمبر در آن بیان شده است. بنابراین سیره‌شناسی یعنی سبک شناسی.^۲

۱-۳- فلسفه تشدید مجازات

هیچ قانونی منطقی در جهان نمی‌تواند پایه مجازات خود را بر اساس انتقام‌جویی قرار دهد خواه آسمانی باشد یا غیر آسمانی، فلسفه مجازات در درجه اول «اصلاح مجرم» سپس «پاک‌سازی محیط» و سرانجام «تشویق پاکان به پاکی» است.^۳ در اسلام یکی از عوامل مهم در تعیین مجازات، اعمال قاعده تشدید است، گاهی عمل مجرمانه‌ای که صورت می‌گیرد توأم با خطرات بیشتری برای جامعه بوده و بالطبع تنفر و انزجار بیشتری را برای افراد جامعه به وجود می‌آورد. در این حالت قانونگذار در راستای تحقق بخشیدن اصلاح، مجازات‌های سنگین‌تری برای این قبیل افراد منظور می‌نماید، مجرمی که فرآیند کیفری را پیموده ولی طعم تلخ مجازات نتوانسته او را متنبه

۱. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، مکتبه المرتضویه، تهران، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۳۹. شایان توجه است که دیگر لغت‌دانان عرب چنین معنایی را از این واژه برداشت کردند بطور مثال رجوع کنید به المصباح المنیر، احمد بن محمد مقرئ، ج ۲، ص ۲۹۹ / شمس العلوم، ابن سعید حمیری، ج ۵، ص ۳۲۹۰ / معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۱۲۰.

۲. مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۹۳، ص ۴۷.

۳. مکارم شیرازی، ناصر «عوامل تخفیف جرم و مجازات» چاپ شده در مجله درس‌های از مکتب اسلام، س ۲۳، ش ۸، پی ۲۷۰، آبان ۱۳۶۲، ص ۱۴.

۷۶.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۷

کند و در اصلاح او مؤثر واقع شود و مجدداً اقدام به تکرار همان جرم بنماید، منطقی است که اعمال مجازات در حق وی تشدید گردد.

حقوقدانان معتقدند هر جرمی یک "ارزش مورد حمایت" را نشانه می‌رود به هر میزان که تاثیر عمل ارتكابی بیشتر و توسط اعمال مرتکب دامنه‌ی ارزش‌های نقض شده بیشتر گردد، قانونگذار حق تشدید کیفر را متناسب با گستره نقض ارزش مورد حمایت خواهد داشت.^۱ فلسفه تشدید کیفر در قاموس حقوقی عبارت است از:

۱- شدت خطر جرم برای جامعه

گاهی پدیده مجرمانه به عنوان ناهنجاری اجتماعی به قدری برای جامعه مضر و خطرناک می‌باشد که قانونگذار برای مبارزه با مرتکب مقررات تشدید مجازات را وضع نموده است. به تعبیر دیگر یکی از جهات مهم برای ضمیمه تشدید مجازات‌ها، اثر سوء جرم در جامعه است مانند جرم ترور، جاسوسی، محاربه، افساد و ... اینگونه جرائم از نظر اثر، بسیار برای جامعه مضر خواهند بود همچنانکه سرقت‌های مسلحانه و راهزنی چنین آثاری را به همراه دارند.

۲- تنفر و انزجار شدید جامعه

تنفر عمومی و قبح و زشتی عمل در نزد عموم باعث می‌شود که قانونگذار مجازات را تشدید نماید مثل توهین به مقدسات، ارتکاب جرم در اماکن مقدس، تجاوز به عنف، هتک حرمت، افتراء، نشر اکاذیب و ...

۳- عدم تنبه مرتکب

در برخی از موارد، قانونگذار با مجرمین برخورد می‌کند که علیرغم برخورد قبلی کیفری و مجازات سابق وی، مرتکب متنبه نشده و دوباره دست به ارتکاب جرم زده است، در واقع آنچه که مقنن را وادار به تشدید مجازات مرتکب نموده است عدم تأثیر مجازات سابق است که اصطلاحاً تکرار جرم نامیده می‌شود.

۱. محسنی فرید، کلیات جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، بهار ۱۳۹۴، ص ۷۹.

۴- روحیه اصلاح ناپذیری مجرم

در بعضی از موارد، شخص بعد از آنکه جرمی را مرتکب شد، فشار افکار عمومی، ندای وجدان و ملاحظه آثار سوء جرم، موجب خودداری وی از ارتکاب مجدد نشده و قبل از دخالت دستگاه قضایی، خود قادر به اصلاح خویشتن نیست و مصداق یا مصادیق دیگری از اعمال ممنوعه کیفری را مرتکب می‌شود که اصطلاحاً تعدد جرم نامیده می‌شود.^۱

در پایان مبحث اول لازم به ذکر است که نگارندگان، با عنایت به موضوع پژوهش بر این باور می‌باشند که می‌توان عوامل تشدید کیفر را منبعث از سیره نبوی به دو دسته کلی تقسیم می‌شود:

- ۱- تنصیصی: عواملی که قانونگذار آن‌ها را به عنوان کیفیات مشدده پذیرفته است که در سیره نبوی مویداتی دارد مثل تعدد، تکرار و زمان و مکان ارتکاب جرم.
- ۲- اصطیادی: عواملی که در فقه امامیه به عنوان کیفیات می‌توان در نظر گرفت درحالی که شارع به آن تصریح نداشته است.

۲- عوامل تنصیصی و اصطیادی تشدید کیفر

از نظرگاه امامیه و سیره نبوی عوامل تشدید^۲ مجازات دارای انواع مختلفی هستند و از جهات گوناگون قابل قسمت‌اند؛ مثلاً در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان علل تشدید

۱. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران: طرح نو، ۱۳۸۸، ص ۱۳۴.

۲. لازم به توضیح است برخی فقها از علل مشدده جرم ذیل عنوان تعزیرات تعلیقی یا می‌کنند و آن را اینطور تعریف می‌کنند: منظور از تعزیرات تعلیقی آن است که قاضی با توجه به عوامل تخفیف و تشدید مجازات در مجرم حکم وی را صادر می‌کند. (جهت اطلاعات بیشتر رک: مکارم شیرازی، ناصر، تعزیر و گستره آن، انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ اول، قم، ۱۴۲۵ ق، ص ۱۱۴)

مجازات را به دو قسمت تقسیم کرد: ^۱عللی که مربوط به قربانی جرم هستند، مانند سن و وضعیت جسمانی، وضعیت خانوادگی، درجهٔ قرابت. چنانکه در مسائل مربوط به «زنا با محارم» در کتب فقهی چنین آمده است: اگر کسی با یکی از زنهایی که محرم نسبی او هستند، مرتکب زنا شود، حد او کشتن است. ولی در محرم‌های رضاعی و سببی این حکم نیست ^۲ یا در مسائل مربوط به «آمیزش با مردگان» آمده است: نزدیکی با زن مرده از حیث تعلق گناه، حد، شرط بودن یا نبودن احصان و... مانند نزدیکی با زن زنده است و بلکه در اینجا جرم و گناه زشت‌تر است پس مجازات آن تشدید می‌شود و میزان آن بسته به نظر حاکم شرع است. ^۳ یا مانند: وصف دینی یا حرفهٔ قربانی جرم. توهین و سبّ پیامبر (ص) و جانشینان اطهرش - صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین - از همین باب است.

عللی که مربوط به خود مجرم هستند مانند، انگیزه‌های پست مادی و یا ارتکاب جرم با توطئهٔ قبلی. ^۴ و یا شرایط زندگی او مانند محصن بودن. می‌دانیم در مساله حد زنا میان «زنا محصنه» و «غیر محصنه» فرق است، در زنا محصنه حد و مجازاتش تازیان است، ولی در زنا محصنه حد آن اعدام می‌باشد.

دلیل این تشدید مجازات به خاطر آن است که شخص مجرم در صورت دوم بدون داشتن بهانه، مرتکب چنین عمل خلافی شده است؛ زیرا منظور از زنا محصنه و غیر محصنه این است که «مرد زن‌دار» یا «زن شوهردار» که نیاز جنسی او از طریق صحیح و مشروع برطرف می‌شود، به سراغ آلودگی برود که در این صورت مجازات اعدام

۱. جهت اطلاعات بیشتر ر.ک: یزدانی سید محمد علی، عوامل تشدید مجازات در فقه و حقوق، مجله فقه قضایی، ص ۵.

۲. محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن «شرایع الاسلام فی مسائل الحرام و الحلال»، انتشارات امیر، قم، ۱۴۰۹ ق. ج ۴، ص ۱۴۵؛ موسوی الخمینی، سید روح الله «تحریر الوسیله»، دارالعلم، قم، ۱۳۷۹ ج ۲، ص ۴۱۷.

۳. محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن «همان» ص ۱۷۴.

۴. زراعت عباس «حقوق جزای عمومی» ققنوس، تهران، ۱۳۸۶ ج ۲، ص ۱۸۶.

برای او در نظر گرفته شده است. همانطوری که بیان شد هر جرمی یک ارزش مورد حمایت را نشانه می‌رود و ضروری است تا جهت تحقق اهداف مجازات، هم طراز با جرم وقوع یافته کیفری متناسب با آن اعمال گردد که در ما نحن فیه کاملاً محرز و مشخص می‌باشد. بطور مثال یکی از مجازات‌های زنا طبق آیات قرآن ۱۰۰ ضربه شلاق است اما در صورتی که عمل زنا توأم با یکی از شرایط و عوامل مشدده مثلاً احسان باشد موجب تشدید کیفر زنا از شلاق به رجم می‌شود.

همانطور که سابقاً بیان شد با توجه به موضوع تحقیق می‌توان عوامل تشدید کیفر را در دو دسته جای داد یکی عوامل تنصیصی و دیگری عوامل اصطیادی؛ بر همین مبنا مطالب این مبحث را در دو گفتار ارایه می‌دهیم گفتار اول بررسی عوامل تنصیصی و گفتار دوم بررسی عوامل اصطیادی تشدید کیفر.

۱-۲- عوامل تنصیصی

عوامل تنصیصی عبارت است از عواملی که قانونگذار آن‌ها را به عنوان کیفیات مشدده پذیرفته است که در سیره نبوی نیز مویداتی دارد مثل تعدد، تکرار و زمان ارتکاب جرم. در این قسمت عوامل تنصیصی تشدید کیفر در قانون تبیین و نمونه‌هایی از آن در سیره نبوی مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱-۱-۲- عنوان و سمت حقوقی

عنوان و سمت حقوقی یکی از عوامل تشدید کیفر از منظر قانونگذار می‌باشد که از دو حیث قابل بررسی است یکی از حیث بزه‌کار و دیگری از حیث بزه‌دیده؛ بدین معنی که داشتن عنوان و سمت حقوقی یا دولتی در خصوص بزه‌کار یا بزه‌دیده در ارتکاب بسیاری از جرایم از موجبات تشدید می‌باشد که در ذیل مواردی از آن مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۸۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۷

۱-۱-۱-۲ عنوان و سمت حقوقی بزهکار

قانونگذار ایران در خصوص مانحن فیه در برخی مواد قانونی به این موضوع اشعار داشته است. به موجب قسمت اخیر ماده ۵۲۷ قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵:

"در صورتی که مرتکب، یکی از کارکنان وزارتخانه‌ها یا سازمان‌ها و مؤسسات وابسته به دولت یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلاب اسلامی باشد یا به نحوی از انحاء در امر جعل یا استفاده از مدارک و اوراق جمعی شرکت داشته باشد به حداکثر مجازات محکوم می‌گردد."

ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ بیان می‌دارد:

"هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان‌ها و یا شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی... وجوه یا مطالبات یا حواله یا سهام و اسناد و اوراق بهادار و یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان‌ها و مؤسسات فوق‌الذکر و یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به آن‌ها سپرده شده است به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید مختلس محسوب و به ترتیب زیر مجازات خواهد شد."

در روایتی در کتاب الکامل فی التاریخ^۱ چنین آمده است:

رسول خدا خالد بن ولید را با ۳۵۰ نفر از مهاجر و انصار برای دعوت به اسلام و نه برای جنگ فرستاده بودند؛ ابن اسحاق گفته است: ... رسول خدا خالد بن ولید را هنگامی که مکه را فتح کردند به سوی بنی جذیمه برای دعوت به اسلام و نه برای

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، دار صادر، بیروت، ۱۹۶۵، ج ۲، ص ۲۵۵، جهت مطالعه پیرامون روایت فوق به منابع زیر می‌توان رجوع نمود. فتح الباری: ۴۶ / ۸، الطبقات الکبری ۱۴۷ / ۲. تاریخ الطبری ۳ / ۶۶. السیره النبویه لابن هشام: ۸۸۲ / ۴، المنتظم ۳ / ۳۳۱، تاریخ الإسلام للذهبی: ۵۶۷ / ۲، المغازی، عیون الأثر لابن سید الناس: ۱۸۵ / ۲، زاد المعاد فی هدی خیر العباد: ۱۶۷ / ۲، تاریخ ابن خلیفه: ۵۳، الثقات لابن حبان: ۶۱ / ۲، البدایه والنهایه ۴ / ۳۱۲، تاریخ ابن خلدون ۴ / ۸۱۰، السیره الحلبیه: ۳ / ۲۰۹.

جنگ فرستادند. او با ۳۵۰ نفر از مهاجر و انصار و بنی سلیم به سوی ایشان رفت؛ وقتی به ایشان رسید گفت: شما که هستید؟ گفتند مسلمانیم و نماز خواند و محمد را به راستگو می‌شماریم؛ و در میدان‌ها مسجد ساخته و در آن اذان گفته‌ایم؛ پرسید پس چرا سلاح همراه خود برداشته‌اید؟ گفتند: بین ما و گروهی از عرب جنگ است و ترسیدیم که شما همان‌ها باشید؛ گفت: پس سلاح را به زمین بگذارید؛ وقتی سلاح را به زمین گذاشتند گفت ایشان را به اسارت بگیرید؛ پس ایشان را به اسارت گرفته دستور داد دست‌های بعضی را بسته و ایشان را بین یاران خویش تقسیم کرد (تا نگهبان ایشان باشند).

وقتی صبح شد خالد دستور داد که هرکس که اسیری به همراه دارد کار او را با شمشیر تمام کند؛ بنو سلیم اسرای خود را کشتند ولی مهاجرین و انصار اسیران خویش را آزاد ساختند. بین خالد بن ولید و عبد الرحمن بن عوف درگیری شد؛ پس خالد به او گفت: مانند کارهایت در جاهلیت، در اسلام نیز انجام دادی! او پاسخ داد تو نیز انتقام پدرت را گرفته‌ای. عبد الرحمن گفت: دروغ می‌گویی؛ من قاتل پدرم را کشتم (از روی قصاص و حکم شرع) اما تو انتقام خون عمویت فاکه بن مغیره را گرفته‌ای. و همین سبب درگیری بین آن دو شد.

براساس نقلی که در کتاب سبل الهدی و الرشاد آمده است؛ موضوع به رسول خدا گزارش شد^۱ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، امیر المومنین علی^{علیه السلام} را به سوی بنی جذیمه فرستادند تا دیه هر یک از مقتولان و هر آنچه که از بابت عمل خالد به آنان خسارت رسیده بود، را پرداخت نمایند؛ تا جایی که خون‌بها و خسارتی باقی نماند مگر اینکه بهای آن توسط علی^{علیه السلام} پرداخت شد. علی علیه السلام بعد از

۱. فبلغ ذلك رسول الله صلى الله عليه وسلم انتهى. فأعرض رسول الله صلى الله عليه وسلم عن خالد و غضب عليه و قال: «يا خالد ذر لي أصحابي، متى ينكأ المرء ينكأ المرء و لو كان لك أحد ذهباً تنفقه قيراطاً قيراطاً في سبيل الله لم تدرک غدوة أو روحاً من غدوات أو روحات عبد الرحمن، (سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، صالحی شامی، ج ۶، ص ۲۰۰) و رفع صلى الله عليه وسلم يديه حتى رثى بياض إبطيه، و هو يقول: اللهم إني أبرأ إليك مما صنع خالد. (امتناع الاسماع، مقيريزي، ج ۲، ص ۶)

اتمام کار از آن‌ها سؤال کرد: آیا خون‌بها و یا مالی مانده است که به شما پرداخت نکرده باشم؟ همگی گفتند: خیر. علی علیه السلام فرمود: باقی مانده این اموال را نیز به خاطر رعایت احتیاط از جانب رسول خدا در مواردی که آن حضرت و شما از آن مطلع نشده‌اید می‌پردازم.^۱ سپس بازگشت و آنچه انجام داده بود به رسول خدا گزارش کرد. پس از آن رسول اکرم (ص) از اقدام خالد بیزاری جستند و او را به شدت مورد غضب قرار دادند به طوری که پس از آن به خالد اجازه داده نشد که فرماندهی لشکر و سپاه اسلام را برعهده بگیرد.

در خصوص این واقعه باید توجه نمود که علت پرداخت دیه توسط رسول اکرم (ص) این است که بخشیدن خون مقتول و یا قصاص قاتل، در اختیار ولی مقتول است و هیچکس؛ حتی پیامبر خدا صلی الله علیه وآله و یا هر حاکم دیگری، حق بخشیدن خون را ندارند و اگر صاحب خون بخواهد قاتل را قصاص نماید، حاکم اسلامی وظیفه دارد که قاتل را قصاص و حکم اسلامی را اجرا نماید؛ اما اگر صاحب خون قصد کشتن نداشته باشد و بخواهد با گرفتن دیه، از کشتن قاتل بگذرد، حاکم اسلامی طبق نظر ولی دم عمل خواهد کرد. بر همین مبنا رسول خدا صلی الله علیه وآله، بعد از اطلاع و آگاهی از آن، امیر مؤمنان علیه السلام را اعزام کرد و تمام خسارات آنان؛ حتی قیمت کاسه سگان آن‌ها را نیز پرداخت نمود.

اما مساله همینجا تمام نمی‌شود و پیامبر اکرم (ص) از باب تشدید مجازات و تکمیل و یا متمیم آن، از اقدام خالد بن ولید بیزاری جسته و او را مورد غضب قرار دادند و پس از آن سمت فرماندهی لشکر اسلام را به وی ندادند و به تعبیری او را از سمت و موقعیت خود عزل کردند. این موضع به خاطر آن است که خالد بن ولید که فرمانده سپاه بوده و به جای در نظر گرفتن مصلحت اسلام و جامعه اسلامی؛ براساس غرض و کینه شخصی اقدام به انتقام جویی نموده و چون عنوان و سمت فرماندهی را برعهده داشت از باب تشدید مجازات مورد غضب پیامبر اکرم (ص) واقع شد. در حالی

۱. تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۱۶۴.

که اگر خالد به عنوان یک شخص حقیقی و بدون وجود عنوان و سمت حقوقی و فرماندهی خود اقدام به چنین عملی می‌نمود، تنها مجازاتی که بدان محکوم می‌شد صرفاً قصاص می‌بود اما در اینجا به دلیل اینکه خالد بن ولید معنون به عنوان و سمت فرماندهی سپاه اسلام است مسئولیت سنگین‌تری بر دوش وی قرار داشته و مجازات آن هم به سبب همین موضوع تشدید می‌گردد.

۲-۱-۱-۲- عنوان و سمت حقوقی بزه‌دیده

در خصوص سمت حقوقی بزه‌دیده می‌توان به مواد ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵ قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ اشاره کرد بطور مثال براساس ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵:

ماده ۵۱۳ - هرکس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیای عظام یا ائمه طاهیرین (ع) یا حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت نماید اگر مشمول حکم ساب النبوی باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد. قانونگذار ایران در ماده ۵۱۴ بیان می‌دارد:

هرکس به حضرت امام خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری به نحوی از انحاء اهانت نماید به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. از طرفی حکم توهین ساده در ماده ۶۰۸ همان قانون به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه هزار ریال تا یک میلیون ریال جریمه نقدی بیان شده است. بنابراین مشخص می‌گردد که عنوان و سمت حقوقی بزه‌دیده می‌تواند از عوامل تشدید کیفر باشد.

همانطوری که مشخص است وجود یک عنوان و سمت خاص در بزه‌دیده و مجنی علیه موجب تشدید مجازات و کیفر مرتکب جرم گردیده است. که در مواد صدرالاشاره بحث شد؛ در سیره نبوی نیز این موضوع مورد توجه قرار گرفته و در روایاتی بدان اشاره شده است.

در روایتی از امام صادق (ع) است که در آن رسول اکرم (ص) می‌فرماید: فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَخْبَرَنِي أَبِي (ع) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ع قَالَ [إِنَّ] النَّاسَ فِي أَسْوَأِ سَوَاءٍ مَنْ سَمِعَ أَحَدًا يَذْكُرُنِي فَأَلْوَاجِبُ عَلَيْهِ أَنْ يَقْتُلَ مَنْ شَتَمَنِي وَلَا يُرْفَعُ إِلَى السُّلْطَانِ وَالْوَاجِبُ عَلَى السُّلْطَانِ إِذَا رُفِعَ إِلَيْهِ أَنْ يَقْتُلَ مَنْ نَالَ مِنِّي.^۱

دشنام و ناسزا به دیگری تعزیر دارد اما اگر بزه‌دیده این مجازات ائمه اطهار یا پیامبر اکرم (ص) باشند این جرم از وصف تعزیری به وصف حدی انقلاب پیدا کرده در زمره جرایم حدی قرار می‌گیرد و مجازات سبب النبوی که همانا قتل باشد بر شخص جاری می‌گردد.

در روایتی از کتاب تاریخ الاسلام شمس الدین ذهبی^۲ چنین آمده است که: و كان الضر من شياطين قریش، ممن يؤذى رسول الله صلى الله عليه و سلم و ينصب له العداوة. یعنی نضر بن حارث^۳ از شیاطین و بزرگان قریش بود که پیامبر را می‌آزرد و به او دشمنی می‌ورزید. ماجرای اذیت و آزار رسول خدا (ص) توسط نضر بن

۱. کلینی ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق، ج ۷، ص: ۲۶۷
۲. ذهبی شمس الدین، محمد بن احمد، تاریخ الاسلام، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۱۵۷/نهایه الأرب ج ۱۶، ص ۲۱۹، ۲۲۰/دلایل النبوة ج ۱، ۴۴۹.
۳. نضر بن حارث یکی از بزرگان عرب مکه در دوره صدر اسلام و از معدود اعراب باسواد بود، که با منطقه حیره در جنوب عراق ارتباط داشت و گویا به ابله و خوزیه (اهواز) نیز سفری داشته‌است و با خواندن داستان‌های شاهان ایرانی و ملوک عجم مردم را از گرد آمدن به دور پیامبر اسلام برحذر می‌داشت و می‌گفت داستانهایی که من می‌گویم از قصه‌های پیامبر بهتر است. (ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل، ج ۲، ص ۷۳) نضر بن حارث تلاش‌های بی‌وقفه‌ای را به همراه تعدادی از قریشیان مانند عقبه بن ابی معیط در ممانعت از تبلیغ رسالت پیامبر (ص) انجام می‌داد. از جمله این تلاش‌ها یاری جستن آنان از یهودیان مدینه بود. یهودیان پیشنهاد طرح سؤالاتی از پیامبر را به آنان دادند. انتظار پیامبر برای دریافت وحی در خصوص پاسخ به پرسش آنان شیوع حرف‌های توهین آمیز مردم قریش و بی‌اعتمادی برخی به پیامبر (ص) گردید که موجبات رنجش ایشان را فراهم نمود. (ابن کثیر دمشقی، البدایه و النهایه، ج ۳، ص ۵۲/بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۱۴۱)

حارث چنین بیان شده است:^۱ نضربن حارث در میان قریش بپا خاست و گفت: ای جماعت قریش، به پروردگار سوگند، حادثه‌ای بر ما واقع شده که بعد از این به هیچ حیلتی از آن نه گریز دانیم و نه گریز توانیم کرد. محمد جوانی از ما بود که امانتدارترین، راستگوترین و پسندیده‌ترین قریش محسوب می شد و او را بدین صفات می شناختیم تا برایمان چیزی آورد که می دانید و می شناسید.

(در مقام مبارزه) ابتدا گفتیم ساحر است. قسم به خدا که ساحر نبود، زیرا ما ساحران را دیده بودیم و انواع سحر را می شناختیم. گفتیم کاهن است و قسم به خدا که کاهن نبود، چه که ما به کهنات و حیلت سازی‌های آن آگاهیم. گفتیم شاعر است و قسم به خدا که شاعر نبود، که ما به فنون شعر و صنایع آن واقفیم. سرانجام گفتیم

۱. إن النضر بن الحارث، و كان من شياطين قريش، و كان ممن يؤذي رسول الله صلى الله عليه و سلم. و الصواب أنه هلك ببدر و هو مشرك على يدى على بن أبى طالب رضى الله تعالى عنه. فقال: يا معشر قريش و الله لقد نزل بكم أمر ما أتيتم له بحيلة بعد، قد كان محمد فيكم غلاما حدثا أرضاكم فيكم و أصدقكم حديثا و أعظمكم أمانة، حتى إذا رأيتم الشيب في صدغيه و جاءكم بما جاءكم به قلتم: ساحر. و لا و الله ما هو بساحر، و قد رأينا السحرة و نفتهم و عقدهم. و قلتم: كاهن، لا و الله ما هو بكاهن، قد رأينا الكهنة تخالجهم و سمعنا سجعهم، و قلتم: شاعر، لا و الله ما هو بشاعر، لقد روينا الشعر و سمعنا أصنافه كلها هزجه و رجزه. و قلتم: مجنون. لا و الله ما هو بمجنون، لقد رأينا الجنون فما هو بخنقه و لا وسوسته و لا تخليطه، يا معشر قريش انظروا في شأنكم فإنه و الله لقد نزل بكم أمر عظيم.

و كان النضر قد قدم الحيرة و تعلم بها أحاديث ملوك الفرس، فكان إذا جلس رسول الله صلى الله عليه و سلم مجلسا فذكر فيه بالله و حذر قومه ما أصاب من قبلهم من الأمم من نعمة الله عز و جل، خلفه فى مجلسه إذا قام ثم قال: أنا و الله يا معشر قريش أحسن حديثا منه، فهلتم إلى فأنا أحدثكم أحسن من حديثه. ثم يحدثهم عن ملوك فارس ثم يقول: بما ذا محمد أحسن حديثا منى؟ و ما أحاديثه إلا أساطير الأولين اكتبها كما كتبتها. مجنون. لا و الله ما هو بمجنون، لقد رأينا الجنون فما هو بخنقه و لا وسوسته و لا تخليطه، يا معشر قريش انظروا في شأنكم فإنه و الله لقد نزل بكم أمر عظيم.

و كان النضر قد قدم الحيرة و تعلم بها أحاديث ملوك الفرس، فكان إذا جلس رسول الله صلى الله عليه و سلم مجلسا فذكر فيه بالله و حذر قومه ما أصاب من قبلهم من الأمم من نعمة الله عز و جل، خلفه فى مجلسه إذا قام ثم قال: أنا و الله يا معشر قريش أحسن حديثا منه، فهلتم إلى فأنا أحدثكم أحسن من حديثه. ثم يحدثهم عن ملوك فارس ثم يقول: بما ذا محمد أحسن حديثا منى؟ و ما أحاديثه إلا أساطير الأولين اكتبها كما كتبتها. (صالحى شامى، سبل الهدى والرشاد فى سيرة خير العباد، ج ۲، ص ۳۴۵)

مجنون است؛ و مجنون نیست. ای جماعت قریش! به فکر شأن و مقام خود باشید و از آن حفاظت کنید که واقعه، واقعه‌ای سخت و بزرگ و عظیم است. او به سرزمین حیره سفر کرده بود و داستان پادشاهان ایران و حیره را فرا گرفته بود. لذا هرگاه پیامبر درباره اقوام گذشته و سرنوشت آنان سخنی می‌گفت تا مردم را عبرتی باشد، نضر بن حارث می‌آمد، مردم را جمع می‌کرد و گفت: "انا واللّه یا معشر قریش احسن حدیثا منه فهموا فانا احدثکم احسن من حدیثه". آن گاه داستان‌های ملوک فارس و رستم و اسفندیار را برای آنان تعریف می‌کرد و در آخر می‌گفت: "لماذا محمد احسن حدیثا منی"^۱

ابن سعد در طبقات الکبری در خصوص دیگر آزار و اذیت‌های وی چنین بیان می‌دارد که: لشگر قریش در جنگ بدر ۳ پرچم داشت که هر یک به دست کسی بود. یکی را ابی‌عزیر بن عمیر، دیگری را نضر بن حارث و سومی را طلحه بن ابی‌طلحه حمل می‌کردند. در شب لیلۃ‌المبیت نیز که قریش قصد جان پیامبر را کرده بود و امیرمؤمنان (ع) به جای آن حضرت در بستر ایشان خفت. عده‌ای جلوی خانه پیامبر نشسته بودند و کمین می‌کشیدند تا حضرت را بکشند، آن‌ها عبارت بودند از: ابوجهل، حکم بن ابی‌العاص، نضر بن حارث، زمعه بن اسود، عقبه بن ابی‌معیط.^۲ سرانجام و فرجام این دشمن خدا و رسولش بنا به نقل طبری و صالحی شامی این است که وی در جنگ بدر، پیامبر اکرم (ص) تا او را دید دستور قتل وی را صادر نمود.

۱. همدانی، رفیع‌الدین اسحاق ابن محمد، سیرت رسول الله، مترجم: مسعود انصاری، انتشارات مولی، ۱۳۹۲ ص ۲۰۱.

۲. ابن سعد، محمد بن سعد، طبقات، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۹۶م ج ۲، ص ۱۵ و ج ۱، ص ۲۲۸. لازم به توضیح است که عقبه بن ابی‌معیط همانند نضر بن حارث موجبات اذیت و آزار رسول خدا را فراهم می‌کرد که در خلال جنگ بدر به هلاکت رسید.

و علی بن ابیطالب (ع) به جرم شتم و اذیت و آزار رسول اکرم (ص)^۱ گردن او را زد.^۲

در روایتی در سیره ابن هشام آمده است که کعب بن اشرف یکی از بزرگان یهود بنی النضیر بود. هنگامیکه هنگامی که خبر کشته شدن بزرگان قریش به مدینه رسید، وی از شدت بغض و کینه‌ای که با مسلمانان داشت سخت متاثر شد و گفت: اگر این خبر راست باشد مرگ برای ما بهتر از زندگی است. و چون متوجه شد که این جریان (یعنی سریه زید بن حارثه) صحت دارد به مکه رفت و به خانه ابی وداعه وارد شد در این میان با جمع کردن قریش در میان آن‌ها گریست و با سرودن اشعاری مردم را علیه رسول خدا (ص) تحریک کرد. رسول خدا (ص) دستور قتل وی را صادر کردند و کعب توسط شخصی بنام ابونائله به هلاکت رسید.^۳

روایاتی مشابه نیز در خصوص برخورد پیامبر اکرم (ص) با مخالفان، تفرقه افکنان و توهین کنندگان به ذات مقدس ایشان وجود دارد که بطور اختصار اشاره می‌گردد:

- ۱- ابوعفک؛ دستور قتل ابوعفک، شاعر یهودی، که پیامبر را هجو نموده بود، صادر شد و سالم بن عمیر، این دستور را در سال دوم هجری اجرا کرد.^۴
- ۲- عصماء بنت مروان؛ زوجه یزیدالخطمی، شاعره یهودی، اشعاری علیه پیامبر و اسلام سرود و پیامبر دستور قتل او را صادر کرد که عمیر بن عدی در ۲۴ رمضان سال دوم هجری او را به قتل رساند.^۵

۱. ابن تیمیّه، أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام، الصارم المسلول علی شاتم الرسول، الحرس الوطنی السعودی، ریاض ۱۹۸۳، ص ۱۴۱ و ۱۴۲.

۲. و الصواب أنه هلك ببدر و هو مشرك علی یدی علی بن أبی طالب (صالحی شامی، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، ج ۲، ص ۳۴۵).

۳. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۵۰. (جهت آگاهی بیشتر ر.ک: ماجرای کسانی رسول خدا دستور قتل شان را پس از فتح مکه صادر نمود؛ سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۴۱۰).

۴. واقدی، المغازی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۱۷۴.

۵. ابن هشام، عبدالملک بن هشام، السیره النبویه، دارالمعرفه، بیروت، ۱۹۹۰، ج ۲، ص ۶۳۶.

علت اصلی برخورد پیامبر با این دو نفر، تبلیغ بر ضد اسلام و تحریک و تهییج دشمنان برای مبارزه با دولت نوپای اسلامی بود. ابو عفک در اشعاری می‌گوید: مدت‌ها زندگی کردم و جمعی را با وفاتر از اوس و خزرج ندیدم که کوه‌ها را به لرزه درآوردند و سستی در آنان راه ندارد، اما سواری [پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله] نزد آنان آمد و به اسم حلال و حرام میان آنان جدایی افکند. ای قوم من! اگر خواهان عزت و پادشاهی بودید بهتر بود از تبع پیروی می‌کردید.

با عنایت به اینکه پیامبر اکرم (ص) دستور قتل کعب بن اشرف و نصر بن حارث را صادر کردند می‌توان چنین نتیجه گرفت که گاهی عنوان و جایگاه شخص بزه‌دیده می‌تواند از عوامل مشدده مجازات باشد. چرا که اگر این موضوع نبود معنا نداشت که برای تحریک دیگران و اشخاص عادی، مجازات سنگین قتل در نظر گرفته شود بنابراین با توجه به عنوان و سمت شخص بزه‌دیده که همان حاکم جامعه اسلامی باشد مجازات شخص تحریک کننده و آزاردهنده تشدید خواهد شد. که ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ موبد این معنا خواهد بود.

۲-۱-۲- تعدد و تکرار جرم^۱

موضوع تعدد تکرار جرم در مواد ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۶ و ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ذکر شده است که قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ نیز در ماده ۴۸

۱. موضوع تکرار جرم در جرایم حدی مورد اتفاق همه فقها بوده و تنها اختلافی که بین آنها وجود دارد اختلاف در مرحله سوم و چهارم اجرای حد است. (تنها فقهی که در اینباره نظر شاذ و مخالف دارد مرحوم حضرت آیت الله سید احمد خوانساری می‌باشد که معتقد است تکرار حد بطور کلی مستوجب حد نیست. جامع المدارک، ج ۷، ص ۳۵) این در حالی است که برخی مستندا به صحیحه یونس بن عبدالرحمن معتقدند: اصحاب الكبائر اذا اقيم عليهم الحد قتلوا فی الثالثه. (سید مرتضی، ابن زهره، شیخ مفید، شیخ توسی، ابی صلاح حلبی و سلار دیلمی، علامه حلی و ابن جنید اسکافی) و برخی دیگر از فقها مستندا به قاعده احتیاط در دماء و فروج، درء و حدیث اصحاب الكبائر اذا اقيم عليهم الحد یقتلون فی الرابعه معتقدند قتل در مرحله چهارم است. (شیخ صدوق، محقق حلی، ابن ادریس، شهید ثانی)

بدان اشعار داشته است. تکرار جرم وصف افعال کسی است که به موجب حکم قطعی لازم الاجرا محکومیت کیفری یافته و بعدا مرتکب جرم می‌گردد.^۱

مطابق ماده ۱۳۶ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲:

هرگاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار حد آن جرم بر او جاری گردد، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است.

طبق ماده ۱۳۷ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲:

هر کس به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا شش محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا شش دیگری گردد، به حداکثر مجازات تا یک و نیم برابر آن محکوم می‌شود.

در خصوص موضوع تکرار جرم صحیحه سلیمان بن خالد از امام صادق (ع) می‌باشد که در آن پیامبر اکرم (ص) فرمودند: قال رسول الله (ص) من شرب الخمر فاجلدوه فان عاد فاجلدوه فان عاد الثالثه فاقتلوه.^۲

همانطوری که سابقا ذکر شد؛ قانونگذار هنجارها و ارزش‌های جامعه را مورد حمایت تقنینی خود قرار می‌دهد و مجرم کسی است که این هنجارها را نقض و رفتار خلاف ارزش از خود بروز می‌دهد. قانونگذار نیز متناسب با گستره و دامنه رفتار ارتكابی و نیز میزان خسارات و خطرات ناشی از آن اقدام به جعل مجازات برای آن می‌نماید. در مانحن فیه وقتی که شخصی شرب خمر می‌نماید به مجازات آن محکوم می‌گردد اما وقتی این جرم و رفتار خلاف هنجار را سه بار مرتکب می‌شود؛ مجازات شدیدی برای او در نظر گرفته می‌شود تا تناسب میان مجازات و جرم رعایت گردد.

در روایتی در خصوص کشته شدن ابوعزه جمحی چنین آمده است:

۱. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، میزان، تهران، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۲۳۲.
۲. حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، موسسه آل البیت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۶ق ج ۲۸، ص ۲۳۳/ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۶.

۹۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۷

پیامبر(ص) ابوعزّه جمحی را در بدر اسیر کرد، اما به خاطر پنج دخترش، بر او منت گذارد و او را آزاد کرد و از وی تعهد ستاند که دیگر به جنگ با مسلمین باز نگردد و هیچکس را بر علیه ایشان حمایت نکند، اما او برگشت و عهدشکنی کرد و قبیله‌ها را آماده می‌ساخت و در کارزار احد شرکت جست و اسیر شد و تقاضای عفو نمود. پیامبر (ص) تقاضای او را نپذیرفت و اجازه نداد که او در مکه دست به ریش خود بکشد و بگوید: دو بار محمد را دست انداختم.^۱ واقدی می‌گوید:^۲ در مورد اسیر شدن او روایت دیگری هم شنیده‌ایم، بکیر بن مسمار برای من نقل کرد که چون مشرکان از احد بازگشتند، ساعتی از آغاز شب را در حمراء الأسد فرود آمدند و سپس کوچ کردند و ابو عزه را که خواب مانده بود، همانجا رها کردند. چون روز بر آمد، مسلمانان آنجا رسیدند و او را که تازه بیدار شده و سرگردان به هر سو می‌گریخت گرفتند. کسی که او را اسیر کرد عاصم بن ثابت بود و پیامبر (ص) به او فرمان داد گردنش را بزند. همانطوری که مشخص است پیامبر اکرم (ص) به دلیل تعدد جرم از سوی ابوعزه جمحی هیچگونه تخفیف و بخششی را نسبت به وی روا نداشته و یکجا حکم قتل او را صادر نمودند. لذا در مقام تعدد و تکرار جرم ضروری است نسبت به مجازات مرتکب تشدید صورت پذیرد تا قبح ارتکاب رفتار مجرمانه در جامعه شکسته نگردد و متهمین با دست اندازی و به سخره گرفتن اعمال مجازات نظم عمومی جامعه را برهم نزنند.

۲-۱-۳- زمان ارتکاب جرم

تاثیر زمان در تشدید مجازات را می‌توان در موارد متعددی از جمله تغلیظ دیه در ماه‌های حرام، مشاهده کرد. البته این تشدید تنها در خصوص قتل است و در جنایات بر

۱. مرتضی عاملی سید جعفر، الصحیح من سیره النبی الاعظم، دارالحدیث، بیروت، ۱۴۲۶ق، ج ۶، ۱۰۴. جهت اطلاعات بیشتر می‌توان به منابع زیر مراجعه نمود: تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۰۰/ تاریخ ابن خلدون، مترجم: عبدالمحمد آیتی، ج ۱، ص ۴۲۰.

۲. الواقدی، محمد بن عمر، کتاب المغازی، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۳۴.

اعضا و منافع جاری نیست. براساس ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ چنانچه رفتار مرتکب و مرگ مجنی علیه هر دو در یکی از راه‌های حرام واقع شود، یک سوم دیه کامل بر دیه مقتول اضافه می‌شود. همچنین در واقعه‌ای که نجاشی یکی از شاعران کوفه، در ماه مبارک رمضان مرتکب شرب خمر شده بود، امیرالمومنین علیه السلام او را علاوه بر ۸۰ ضربه برای شرب خمر، ۲۰ ضربه شلاق هم به دلیل ارتکاب این جرم در ماه مبارک رمضان، محکوم می‌نماید.^۱ در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص، یا مجازات تعزیری از درجه شش تا یک محکوم شده است را با رعایت شرایط مقرر در قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات مجرم به یک یا چند مجازات تکمیلی محکوم نماید. به نظر می‌رسد ارتکاب جرم در مکان یا زمان مقدس، به غیر از موارد مذکور در قانون، به صورت کلی می‌تواند یکی از عوامل اعمال مجازات‌های تکمیلی، که در واقع نوعی تشدید مجازات هستند، محسوب شوند.

قانونگذار در خصوص زمان ارتکاب جرم در ماده ۶۵۱ قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ چنین بیان می‌دارد:

- هرگاه سرقت جامع شرایط حد نباشد ولی مقرون به تمام پنج شرط ذیل باشد مرتکب از پنج تا بیست سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد.
- ۱- سرقت در شب واقع شده باشد.
 - ۲- سارقین دو نفر یا بیشتر باشند.
 - ۳- یک یا چند نفر از آن‌ها حامل سلاح ظاهر یا مخفی بوده باشند.

۱. ابو علی الأشعری عن احمد بن النضر عن عمرو بن شمر عن جابر رفعه عن ابی مریم قال اتی امیر المومنین صلوات الله علیه بالنجاشی الشاعر قد شرب الخمر فی شهر رمضان فضربه ثمانین ثم حبسه لیلا ثم دعا به من الغد فضربه عشرين سوطا فقال له یا امیر المومنین ما هذا ضربتی ثمانین فی شرب الخمر و هذه العشرون ما هی فقال هذا لتجریک علی شرب الخمر فی شهر رمضان. بحارالانوار، ج ۴۰، صفحه ۲۹۸

۹۲.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۷

۴- از دیوار بالا رفته یا مرز را شکسته یا کلید ساختگی بکار برد. یا اینکه عنوان یا لباس مستخدم دولت را اختیار کرده یا برخلاف حقیقت خود را مأمور دولتی قلمداد کرده یا در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا توابع آن است سرقت کرده باشند.

۵- در ضمن سرقت کسی را آزار یا تهدید کرده باشند.

در این ماده سرقت در محل سکنی، سرقت همراه با شکستن حرز، سرقت در شب و سرقتی که با همکاری دو نفر یا بیشتر صورت گیرد چون جرم ارتكابی توأم با حالت خطرناکی مجرم است لذا باعث تشدید مجازات مرتکب می‌گردد. همچنین است بر اساس ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰؛ اگر زنا در زمان‌های متبرکه چون اعیاد مذهبی و رمضان و جمعه و مکان‌های شریف چون مساجد صورت گیرد، علاوه بر حد موجب تعزیر نیز می‌گردد.^۱

در روایتی از رسول اکرم (ص) چنین آمده است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) كُلُّ مَنْ طَرَقَ رَجُلًا بِاللَّيْلِ - فَأَخْرَجَهُ مِنْ مَنْزِلِهِ فَهُوَ ضَامِنٌ - إِلَّا أَنْ يُقِيمَ عَلَيْهِ الْبَيِّنَةَ أَنَّهُ قَدْ رَدَّهٗ إِلَى مَنْزِلِهِ.^۲ در این روایت فقط خارج کردن اشخاص در شب موجب ضمان دانسته شده لذا در صورتی که شخصی، دیگری را شبانه از منزلش خارج کند، برای وی فرض مسئولیت شده است مگر اینکه دلیلی بر عدم مسئولیتش اقامه کند.

در روایتی دیگر در خصوص حرمت زمان و مکان ارتكاب جرم اینطور آمده است:

۱. فاضل هندی، محمد بن حسن بن محمد اصفهانی، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ ق. ج ۱۰، ص: ۴۹۰.
۲. وسائل الشیعه؛ ج ۲۹، ص ۵۱. در متون و آثار فقها این حکم اختصاص به شب دارد بنابراین اگر در روز دیگری از منزلش به بیرون فراخوانده شود مشمول حکم این روایت نمی‌گردد در همین راستا مرحوم شهید ثانی می‌فرماید: ... ویختص الحكم باللیل فلا یضمن المخرج نهاراً (الروضه البهیة فی شرح المعه الدمشقیه، ج ۳، ص ۵۵۵)

خطبنا النبی صلی الله علیه و سلم یوم النحر فقال: أ تدرؤن أی یوم هذا؟ قلنا الله و رسوله أعلم فسکت حتی ظننا أنه سئسمیه بغير اسمه. قال: أ لیس هذا یوم النحر قلنا بلی! قال: أی شهر هذا؟ قلنا الله و رسوله أعلم. فسکت حتی ظننا أنه سئسمیه بغير اسمه. قال: أ لیس ذو الحجه قلنا بلی! قال: أی بلد هذا؟ قلنا الله و رسوله أعلم فسکت حتی ظننا أنه سئسمیه بغير اسمه. قال: أ لیس بالبلده الحرام قلنا بلی! قال: فان دمءکم و أموالکم علیکم حرام کحرمة یومکم هذا فی شهرکم هذا فی بلدکم هذا إلی یوم تلقون ربکم. ألا هل بلغت قالوا نعم! قال: اللهم اشهد فلیبلغ الشاهد الغائب فرب مبلغ أوعی من سامع فلا ترجعوا بعدی کفاراً یضرب بعضکم رقاب بعض.^۱

۲-۲- عوامل اصطیادی تشدید مجازات

همانطوری که سابقاً بیان شد منظور از عوامل اصطیادی عواملی هستند که می‌توان در فقه امامیه و شرع مقدس به عنوان عامل تشدید مجازات برشمرد لکن شارع آن را مورد تصریح قرار نداده است مثل مسلمان بودن بزه دیده یا بزه‌کار؛ لازم به توضیح است که بررسی عوامل اصطیادی خود پژوهشی جداگانه می‌طلبد و در این نوشتار صرفاً از باب طرح آن اشاره می‌گردد. یکی از آثاری که شاید بتوان در خصوص مسلمان بودن خود بزه‌کار مطرح نمود که می‌تواند به عنوان کیفر مشدده برای وی مطرح باشد بحث ارتداد است. خداوند متعال در آیات قرآن کریم در آیات متعددی به این موضوع اشاره کرده است؛ بطور مثال خداوند در سوره بقره آیه ۲۱۷ اشاره می‌نماید: «وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» ویا در آیه ۱۹ سوره آل عمران چنین بیان میدارد: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًّا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ».

۱. ابن اثیر، اسد الغابه، ج ۴، ص ۱۴۲. جهت اطلاعات بیشتر رک: امتاع الاسماع، ج ۳، ص ۱۷۴/ البدایه و النهایه، ج ۵، ص ۱۹۵/ الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۴۲.

طبق نقل روایات مرتد کسی است که از اسلام عدول کرده و به آنچه که بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده کفر ورزیده است.^۱ براساس آنچه که از انواع مرتد بیان شده است، مرتد فطری کسی است که پدر و مادر یا یکی از آنان هنگام انعقاد نطفه یا ولادت وی مسلمان بوده، آن گاه این فرد بعد از بلوغ، آیین اسلام را پذیرفته و سپس به کفر روی آورده است: مانند سلمان رشدی که پدرش مسلمان است؛ و مرتد ملی یعنی کسی که پدر و مادرش هنگام انعقاد نطفه یا ولادت وی کافر بوده‌اند.^۲

با عنایت به موضوع پژوهش محل بحث ما در مانحن فیه مرتد فطری است که وصفی از مسلمان بودن را با خود به همراه دارد. در همین راستا مجازاتی که شرع برای مرتد فطری در نظر داشته است شدیدتر از مجازاتی است که در خصوص مرتد ملی اعمال می‌گردد. طبق نظر مشهور فقهای امامیه اگر «مرتد فطری» مرد باشد، علاوه بر برخی از احکام مدنی مانند فسخ پیمان نکاح و جدایی از همسر بدون نیاز به طلاق و تقسیم اموال بین ورثه، به اعدام محکوم می‌شود و توبه‌اش، از جهت ظاهری، پذیرفته نمی‌شود: یعنی اگر با اعتقاد و باور قلبی توبه کند، خدای متعال می‌پذیرد و نماز و سایر عباداتش صحیح است، اما بر جریان حکم اعدامش تاثیر ندارد.^۳ اما اگر «مرتد ملی» مرد باشد، احکام فوق بر وی مترتب می‌گردد جز آن که اگر توبه کند، توبه وی پذیرفته می‌شود حتی پیش از جریان هر گونه حکمی، نخست وی را به توبه و بازگشت به اسلام دعوت می‌کنند و سه روز به وی مهلت می‌دهند تا تحقیق کند و با تامل از انحراف برگردد. اگر در این مدت توبه کرد، آزاد می‌شود و گرنه به اعدام محکوم می‌گردد.^۴ همانطوری که مشخص است وصف اسلام در بزهکار سبب تشدید کیفر

۱. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ الْمُرْتَدِّ فَقَالَ مَنْ رَغِبَ عَنِ دِينِ الْإِسْلَامِ وَكَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَبَغَ إِسْلَامَهُ فَلَا تَوْبَةَ لَهُ وَقَدْ وَجِبَ قَتْلُهُ وَبَانَتِ امْرَأَتُهُ مِنْهُ فَلْيُقَسِّمْ مَا تَرَكَ عَلَى وُلْدِهِ. (الكافي، ج ۷، ص ۱۵۳).

۲. موسوی الخميني، روح الله، حرير الوسيله، ج ۱، ص ۴۹۹.

۳. الموسوي الاردبيلي، كتاب الحدود، ص ۴۹۱.

۴. محمدحسن النجفي، جواهر الكلام، دار احياء التراث العربي، بيروت، ۱۴۳۰، ج ۴۱، ص ۶۱۲-۶۱۳.

اعدام و عدم قبول توبه وی می شود در حالی که برای شخص غیرمسلمان چنین چیزی مطرح نیست.

یکی دیگر از عوامل مشدده عقوبت، مسلمان بودن ساحر است که موجب قتل اوست لیکن اگر ساحر غیرمسلمان باشد فقط تعزیر می شود زیرا کفر نسبت به سحر شدیدتر و قبیح تر است به همین دلیل است که مجازات ساحر مسلمان از مجازات ساحر غیرمسلمان شدیدتر است.^۱

یکی دیگر از عوامل شخصی تشدید مجازات، مسلمان بودن بزه دیده است چنانچه شخص غیرمسلمانی با زن مسلمانی زنا کند هرچند زانی محصن نباشد و یا عنف و اکراهی هم در کار نباشد باز هم زانی کشته می شود.^۲ همچنین در صورتی که غیر مسلمانی، مسلمانی را تفخیز کرده باشد چه ذمی باشد و چه حربی فرقی نمی کند، مجازات فاعل قتل است این در حالی است که فاعل تفخیز اگر مسلمان باشد فقط محکوم به ۱۰۰ ضربه شلاق خواهد شد و اگر دو نفر غیرمسلمان مرتکب این عمل شوند، حاکم مخیر است بین مجازات آنها و یا سپردن ایشان به محاکم خودشان تا اینکه طبق شرع خودشان مجازات شوند.^۳

نتیجه گیری

یکی از مهمترین موضوعات حقوق جزا، مبحث تشدید مجازات به عنوان یک عامل بازدارنده از ارتکاب جرم توسط افرادی که از جایگاه و موقعیت خاصی برخوردار هستند و یا اینکه اشخاص عادی در وضعیت خاص مانند شرایط بحرانی اقدام به

۱. عاملی، زین الدین بن علی، (شهید الثانی)، مسالک الأفهام فی الی تنقیح شرایع الاسلام، موسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۳۴۱ق، ج ۱۴، ص ۴۵۴.

۲. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ق ج ۱۳، ص: ۵۵

۳. فاضل هندی، محمد بن حسن بن محمد اصفهانی، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۰، ص: ۴۹۴.

ارتکاب رفتار مجرمانه نمایند، می‌باشند. از آنجا که قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران مطابقت زیادی با مبانی و اصول شرع مقدس اسلام دارند، کشف و تبیین سیره عملی پیامبر اکرم در چگونگی برخورد حاکمیت در مقام تشدید مجازات راهگشا می‌باشد؛ عوامل تشدید مجازات را در سیره رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم نمود؛ عوامل شخصی و عوامل خارجی. عوامل شخصی به عواملی گفته می‌شود که در شخص بزه‌کار و یا بزه‌دیده وجود داشته باشد، حال چه این عوامل ذاتی فرد باشند و چه بر فرد عارض شده باشند، مانند کفر و اسلام که در برخی از موارد چنانچه دو نفر به صورت مجزی و تحت شرایط واحد مرتکب جرم واحدی شده باشند، با توجه به نوع جرم گاهی مسلمان بودن مرتکب و گاهی مسلمان بودن بزه‌دیده موجب تشدید مجازات می‌شود مانند زانی فاقد شرایط احسان زانی غیرمسلمان با زانیه مسلمان که هر چند این رفتار مطاوعی باشد، لیکن موجب قتل زانی می‌شود و یا تفخیز غیرمسلمان با مسلمان که موجب قتل غیر مسلمان می‌شود. از سوی دیگر گاهی اسلام مرتکب موجب تشدید مجازات وی می‌شود مانند مجازات ساحر مسلمان که قتل است، همچنین در ارتداد، اگر مرتد ملئی باشد توبه‌اش مورد پذیرش قرار می‌گیرد اما توبه مرتد فطری پذیرفته نمی‌شود و مجازات وی قتل می‌باشد.

برخی دیگر از عوامل تشدید مجازات، عوامل خارجی هستند که خارج از وجود و شخصیت بزه‌کار است مانند ارتکاب قتل در ماه‌های حرام و یا در حرم که موجب تغلیظ دیه می‌شود همچنین ارتکاب معاصی و کبائر در برخی زمان‌ها و مکان‌های مقدس نیز موجب تشدید عقوبت می‌گردد مانند شرب خمر در ماه مبارک رمضان و یا ارتکاب زنا در زمان‌ها یا مکان‌های مقدس که موجب محکومیت مجرم به عقوبت شدیدتری نسبت به ارتکاب این جرائم در زمان‌ها و مکان‌های دیگر می‌شود.

منابع و مآخذ

۱. قرآن
۲. ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، دار صادر، بیروت، ۱۹۶۵م.
۳. ابن تیمیّه، أحمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام، الصارم المسلول علی شاتم الرسول، الحرس الوطنی السعودی، ریاض ۱۹۸۳م.
۴. ابن سعد، محمد بن سعد، طبقات، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۹۶م.
۵. ابن منظور ابو الفضل جمال الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ هـ ق، چاپ سوم، بیروت - لبنان.
۶. ابن هشام، عبدالملک بن هشام، السیره النبویه، دارالمعرفه، بیروت، ۱۹۹۰م.
۷. أبو الفتح محمد بن سید الناس، عیون الأثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر، تعلیق ابراهیم محمد رمضان، بیروت، دار القلم، ط الأولى، ۱۴۱۴ق.
۸. أبو الفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی، البدایئ و النهایئ، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۹. أبو جعفر محمد بن جریر الطبری، تاریخ الأمم و الملوک، بیروت، دار التراث، طبعه الثانیة، ۱۳۸۷ق.
۱۰. احمد بن أبی یعقوب بن جعفر المعروف بالیعقوبی، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر، بی تا.
۱۱. اخوت محمد علی، تفصیل مسائل حقوق جزای عمومی، تهران، نشر صابریون، ۱۳۸۵.
۱۲. اردبیلی محمد علی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، پاییز ۱۳۹۶.
۱۳. ایمانی عباس، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، تهران، آریان، ۱۳۸۲.
۱۴. البلاذری أحمد بن یحیی بن جابر، انساب الأشراف، دار الفکر، بیروت، ط الأولى، ۱۴۱۷ق.

٩٨.....تحقيقات حقوقى تطبيقى ايران و بين الملل، سال يازدهم، شماره چهلّم، تابستان ١٣٩٧

١٥. البيهقى ابو بكر احمد بن الحسين، دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشريعة، تحقيق عبد المعطى قلجى، دار الكتب العلمية، بيروت، ط الأولى، ١٤٠٥ق.
١٦. تقى الدين أحمد بن على المقريزى، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع، بيروت، دار الكتب العلمية، طبعه الأولى، ١٤٢٠ق.
١٧. جوهرى اسماعيل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربية، دار العلم للملايين، ١٤١٠ هـ ق چاپ اول، بيروت - لبنان.
١٨. حر عاملى، محمد بن حسن، وسايل الشيعه، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، قم، ١٤١٦ق.
١٩. حلى (محقق)، ابوالقاسم نجم الدين جعفر بن حسن، شرايع الاسلام فى مسائل الحرام و الحلال، انتشارات امير، قم، ١٤٠٩ ق.
٢٠. الحميرى عبدالملك ابن هشام، السيره النبويه، بيروت، دار المعرفة، بى تا.
٢١. ذهبى شمس الدين، محمد بن احمد، تاريخ الاسلام، دارالكتب العربى، بيروت، ١٤٠٩ ق.
٢٢. زراعت عباس «حقوق جزاى عمومى» ققنوس، تهران، ١٣٨٦.
٢٣. سپهرى محمد، سيرت جاودانه، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، بهار ١٣٨٩.
٢٤. سجادى سيد صادق، تاريخ نگارى در اسلام، تهران، سمت، چاپ اول، ١٣٧٥.
٢٥. شامبىاتى هوشنگ، حقوق جزاى عمومى، تهران، نشر ژوبين، آذر ١٣٨٤.
٢٦. صاحب بن عباد، المحيط فى اللغة، عالم الكتاب، ١٤١٤ هـ ق، اول، بيروت - لبنان.
٢٧. الصالحى الشامى، محمد بن يوسف، سبل الهدى و الرشاد فى سيره خير العباد، دار الكتب العلمية، بيروت، ط الأولى، ١٤١٤ق.
٢٨. صانعى پرويز، حقوق جزاى عمومى، تهران، انتشارات طرح نو، ١٣٨٨.
٢٩. طريحي، فخرالدين، مجمع البحرين، مكتبه المرتضويه، تهران، ١٣٧٥.

۳۰. عاملی، زين الدين بن علي، (شهيد الثاني)، مسالك الأفهام في الي تنقيح شرايع الاسلام، موسسه المعارف الاسلاميه، قم، ۱۴۱۳ق.
۳۱. عبد الرحمن بن محمد بن خلدون، تاريخ ابن خلدون (ديوان المبتدأ والخبر في تاريخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوى الشأن الأكبر)، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۸.
۳۲. عز الدين أبو الحسن علي بن ابى الكرم، الكامل فى التاريخ، دار صادر - دار بيروت، بيروت، ۱۳۸۵ق.
۳۳. عز الدين بن الأثير أبو الحسن علي بن محمد الجزرى، أسد الغابۀ فى معرفۀ الصحابۀ، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۹ق.
۳۴. علي آبادى عبدالحسين، حقوق جنائى، تهران، انتشارات بانك ملي، ۱۳۵۲.
۳۵. فاضل لنكرانى محمد، تفصيل الشريعه فى شرح تحرير الوسيله، انتشارات مركز فقه ائمه اطهار (عليهم السلام)، قم، ۱۴۳۵.
۳۶. فاضل هندی، محمد بن حسن بن محمد اصفهانی، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، ج ۱۰، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۱۶ق.
۳۷. فيض عليرضا، مقارنه و تطبيق در حقوق جزاى عمومى اسلام، تهران، فرهنگ و ارشاد اسلامى، ۱۳۷۹.
۳۸. فيض كاشانى، ملا محسن، الوافى، ناشرمكتبة الإمام أمير المؤمنين على عليه السلام، اصفهان، بى تا.
۳۹. قرشى، سيد على اكبر، قاموس قرآن، دارالكتب الاسلاميه، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۴۰. كلينى ابو جعفر محمد بن يعقوب، الكافى، دار الكتب الاسلاميه، تهران، ۱۴۰۷ق.
۴۱. مجلسى محد باقر، بحار الأنوار (ط - بيروت)، دار إحياء التراث العربى، بيروت، ۱۴۰۳ق.

- ۱۰۰.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۷
۴۲. محسنی فرید، کلیات جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، بهار ۱۳۹۴.
۴۳. محمد بن علی بن بابویه قمی، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ه.ق، چاپ دوم، قم- ایران.
۴۴. محمد بن عمر الواقدی، کتاب المغازی، بیروت، مؤسسه الأعلمی، طبعه الثالثه، ۱۴۰۹ ق.
۴۵. مرتضی‌العاملی جعفر، سیره صحیح پیامبر اعظم (ص)، ترجمه: حسین تاج آبادی، انتشارات وثوق، قم، ۱۳۹۰ ش.
۴۶. مرتضی‌العاملی جعفر، الصحیح من سیره النبی الأعظم (ص)، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۶ ق.
۴۷. مصطفوی حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، انتشارات موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع)، بی تا.
۴۸. مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۹۳.
۴۹. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ق.
۵۰. مکارم شیرازی ناصر، عوامل تخفیف جرم و مجازات، مجله درس‌های از مکتب اسلام، آبان ۱۳۶۲.
۵۱. مکارم شیرازی، ناصر، تعزیر و گستره آن، انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ اول، قم، ۱۴۲۵ ق.
۵۲. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، دارالعلم، قم، ۱۳۷۹.
۵۳. النجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۳۰.
۵۴. نوری حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۸ ق.

بررسی عوامل و مصادیق تشدید کيفر در قرآن و سنت ١٠١

٥٥. واسطی زبیدی محب الدين، تاج العروس من جواهر القاموس، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع ، ١٤١٤ هـ ق، چاپ اول ، بيروت - لبنان.

٥٦. الواقدی محمد بن عمر، كتاب المغازی، مؤسسه الأعلمی، بيروت، ط الثالثه، ١٤٠٩ ق.

٥٧. الهاشمی البصری محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، دار الکتب العلمیه، بيروت، ط الأولى، ١٤١٠ ق.

٥٨. همدانی، رفیع الدين اسحاق ابن محمد، سيرت رسول الله، مترجم: مسعود انصاری، انتشارات مولی، ١٣٩٢.